

دانشگاه فرهنگیان
دوفصلنامه علمی
نظریه و عمل در تربیت معلمان
سال نهم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲

نقش معلمان در تمدن‌سازی با تأکید بر هویت دانش‌آموزان مبتنی بر منظومه فکری رهبران انقلاب اسلامی

مریم برادران حقیر^۱
سیمینه زینلی‌زاده^۲
طاہره محسنی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر دستیابی به منظومه فکری و اندیشه‌های دو رهبر انقلاب اسلامی ایران درباره نقش معلمان در تمدن‌سازی است که هسته اصلی آن را دانش‌آموزان با هویت تشکیل می‌دهد. از آنجاکه انقلاب اسلامی داعیه‌دار تحقق تمدن‌سازی است، این ویژگی‌ها در بیانات رهبران انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت. به این ترتیب که نمونه‌ای هدف‌مند از بیانات و پیام‌ها که در جمع فعالان حیطة تعلیم و تربیت انجام شده، انتخاب و به شیوة تحلیلی - استنتاجی در متن، یافته‌ها در دو بخش ارائه شد. بخش اول که مبتنی بر غوطه‌وری در بیانات است به ویژگی‌های

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۳۱

۱. استادیار گروه معارف اسلامی و علوم تربیتی، دانشگاه امام صادق ع (نویسنده مسؤول)
Baradaran@isu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه امام صادق ع
siminehzeinalizadeh@gmail.com

۳. استادیار دانشگاه امام صادق ع
t.mohseni@isu.ac.ir

هویت‌سازی در دانش‌آموزان به‌عنوان هدف تعلیم و تربیت پرداخته و در چهار رابطه با خویشتن، با خداوند، با جامعه و نسبت با بیگانگان دسته‌بندی شده است. بخش دوم بر شایستگی معلمان به‌عنوان سرمایه‌های سرمایه‌ساز اشاره دارد که به چهار مقوله ویژگی‌های اخلاقی، توانمندی ذهنی و باورها، دانش کاربردی و مهارت عملی می‌پردازد. این مقولات هر یک در سه بُعد نسبت با خداوند، با جامعه و با بیگانگان مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. نتیجه آنکه تمدن‌سازی به‌عنوان آرمانی بلند نیازمند توجه به سرمایه انسانی است و از آنجا که نهاد رسمی تعلیم و تربیت میزبان و مولد چنین سرمایه‌ای است، معلمان به‌عنوان سرمایه‌ساز نیازمند بالندگی و تحقق شایستگی‌هایی هستند تا بتوانند عرصه را برای تربیت سرمایه انسانی مهیا کرده و با تربیت دانش‌آموزان باهویت و مستقل مسیر را برای تمدن‌سازی هموار نمایند.

کلیدواژه‌ها: تمدن، مدرسه تمدن‌ساز، شایستگی، سرمایه انسانی، رهبران انقلاب اسلامی.

۱. مقدمه

جامعه مطلوب دغدغه اندیشمندان و سیاستمداران در همه اعصار بوده است؛ همان چیزی که در متون مختلف از آن تحت عناوینی چون: مدینه فاضله، مدینه سعیده، آرمان‌شهر، شهر نیکان یا جامعه متمدن یاد می‌کنند. به طور طبیعی، در جامعه متمدن به‌عنوان جامعه مطلوب، همه نهادها، ساختارها و هرآنچه به نظام جامعه مربوط است معطوف به تمدن‌سازی است. جامعه متمدن نوعی از جامعه با ویژگی‌های منحصر به فرد است. می‌توان گفت همه جوامع در اموری نظیر توجه به نظم و قانون، احترام به حقوق یکدیگر، رعایت هنجارها و تعامل به جهت رفع نیازها مشترک هستند؛ اما جامعه متمدن دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است.

بالتبع گستره تمدن فراتر از جامعه‌سازی است. تا زمانی که یک جامعه نتوانسته باشد به پایداری برسد و نیازهای درونی خود را رفع کند نمی‌تواند به تمدن‌سازی برسد. به علاوه، اجرای صحیح تعاملات اجتماعی در بستر یک تمدن تنها برآمده از صرف اعتبارات و الزامات اجتماعی نیست؛ بلکه در تمدن، اجرای قوانین و تعاملات اجتماعی، به دلیل یک فرهنگ مدرک و خواست عمیق اجتماعی است (همایون،

۱۳۹۲)، لذا فرهنگ و هویت اجتماعی در جامعه متمدن جایگاه ویژه دارد. «تمدن متشکل از فرهنگ، هویت و زیرساخت‌های یک جامعه است. در واقع جامعه‌ای متمدن است که از لحاظ هویتی، فرهنگی و زیرساخت‌های اجتماعی در وضعیت مطلوب خود باشد» (تارگوفسکی^۱، ۲۰۰۴: ۸۹).

تمدن در اصطلاح عبارت از نظامی اجتماعی است که در نتیجه آن خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. تمدن «مجموعه‌ای از عوامل اخلاقی و مادی است که به جامعه فرصت می‌دهد برای هر فردی از افراد خود در هر مرحله‌ای از مراحل زندگی خود، از کودکی تا پیری، همکاری لازم برای رشد را به عمل آورد.» (دورانت، ۱۳۷۰: ۵). در تعریف دیگر، «به مجموعه ابزارها، ابنیه و نظام‌های اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، تربیتی، بهداشتی، امنیتی و غیره) برای رفع نیازهای هویتی یک جامعه، تمدن گفته می‌شود.» (غلامی، ۱۳۹۶: ۴۱). در بیشتر تعاریف یافت شده از تمدن، این واژه را مقابل بربریت (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۲) یا نقطه مقابل جامعه بدوی و ساکن (غلامی، ۱۳۹۶: ۹) می‌دانند. اما به نظر می‌رسد باید جاهلیت را در برابر تمدن قرار داد. با این نگاه متمدن کردن یک جامعه به معنای حذف روستاها و شهرنشین کردن مردم نیست.

هر تمدنی دارای مجموعه اندیشه‌ها و مبانی فکری است که فلسفه شکل‌گیری آن تمدن هستند. در واقع تمدن روی پایه‌های اندیشه‌ها و مبانی فکری بنا نهاده شده است (طاهرزاده، ۱۳۸۹: ۲۸) و دارای گرایش‌های فرهنگ‌ساز هستند، یعنی فرهنگ هر جامعه در بستر گرایش‌ها، تمایلات و عاطفه‌ها شکل می‌گیرد و این گرایش‌ها سهم اصلی در شکل‌گیری تمدن را دارد (جمالی، ۱۳۹۴: ۴۵). رکن دیگر تمدن، توانش آن تمدن است که سنگ محک عینی تمدن محسوب می‌شود. یعنی عملکرد و دستاورد و محصول آن؛ توانش امنیتی نظامی، توانش اقتصادی، توانش فرهنگی و توانش علمی که توانش علمی در ایجاد، اعتلا و بقای یک تمدن نقش زیادی دارد؛ لذا تمدن‌ها برای تحقق یا اعتلا نیازمند تجدیدنظر و دقت در هر سه رکن دانش‌ها، گرایش‌ها و توانش‌های تمدنی هستند (فرهانی، ۱۳۹۴: ۹۸).

به نظر می‌رسد تمدن‌ها هم پدیده‌اند و هم پروژه؛ پدیده به این معنا که اگر شرایط جغرافیایی و سایر شرایط فراهم باشد تمدن‌ها شکل می‌گیرد؛ کماینکه تمدن‌های باستانی به این صورت شکل گرفته‌اند و همین‌طور می‌توانند پروژه باشند، یعنی طی فرایندی، انسان‌ها بتوانند برای تحقق تمدن برنامه‌ریزی کنند (گودرزی، ۱۳۹۴: ۴۹). فرض ما بر این است که «تمدن‌سازی توسط انسان قابلیت مدیریت دارد. در واقع تمدن‌سازی فرایندی است که با خلق مفهوم جامعه، صنعت، فناوری، فکر، اندیشه، تولید علم و سازه‌های تمدنی شروع شده، رشدیافته و متبلور می‌شود و در تمامی این موارد نقش انسان پررنگ است. همچنین انسان‌ها محور تحول، عامل تحول و هدف تحول در تمدن‌سازی هستند» (گودرزی، ۱۳۹۴: ۵۲)؛ لذا ضرورت تربیت و آموزش انسان تمدن‌ساز غیرقابل‌انکار است. «مدرسه به‌عنوان اولین و شاید مهم‌ترین مرکز علم‌آموزی و پرورش فکری، در جهت اعتلای تمدن و یا تمدن‌سازی نقش گسترده دارد. اگر فرایند تمدن‌سازی را، شامل فرایند تقویت دانش‌ها، بینش‌ها و توانش‌ها بدانیم» (فرمehنی فرهانی، ۱۳۹۴: ۸۶)، مدرسه جایی است که در جهت شکل‌گیری دانش، گرایش و توانش افراد نقش به‌سزایی دارد. مدرسه به معنای محل درس و علم‌آموزی، فضایی برای آموزش توسط معلمان، نقش ویژه‌ای ایفا خواهد کرد (طباطبایی و فریدونی، ۱۳۹۶: ۱۰۲). امروزه که در عصر اطلاعات، توجه به سرمایه انسانی و شایستگی‌های آن پتانسیلی برای افزایش عملکرد و دستیابی به اهداف استراتژیک است (کس‌م‌س‌پ^۱، ۲۰۱۷: ۲۱۹۰)، مؤسسات آموزشی به‌عنوان نهادهای مولد سرمایه انسانی و هویت‌سازی می‌توانند نقشی حیاتی در تحولات ایفا نمایند.

اکنون مبتنی بر اصل پذیرش تنوع، نظام آموزشی در ایران شاهد ایجاد و تأسیس مدارس متعدد با رویکردهای جدیدی است. برخی مدارس غیرانتفاعی با رویکردهای شناختی مبتنی بر اکتشافی یا قائل به وحدت علوم‌اند، برخی به مدارس «بدون کیف» معروف‌اند و در تلاش‌اند به‌ویژه در مقطع دبستان از دادن تکلیف برای انجام در منزل خودداری کنند، مدارس طبیعت به‌ویژه در مهدکودک‌ها به دنبال یادگیری در طبیعت و از طریق طبیعت هستند، مدارس مسجدمحور با دغدغه تربیت دینی روی کار آمده‌اند

که برخی نام خود را «ادبستان» نهاده‌اند، مدارس تخصصی‌تر مانند مدارس علوم انسانی ایجاد شده‌اند و اخیراً شاهد شعار «مدرسه در خانه» هستیم و عده‌ای از والدین معتقدند بهترین محیط آموزشی خانه و بهترین معلمان والدین هستند. گویا شرایط باعث شده در دوران گذر از نظام‌آموزی و ساختار کهنه آن به دوران تحول نظام آموزش و پرورش باشیم (مجیدی، ۱۳۹۹: ۲۰).

در این میان مدارس تمدن‌ساز نیز وجود دارند که باور دارند تحول در نظام آموزش و پرورش باید در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی باشد. در مدارس تمدن‌ساز رسالت سازمانی به معنای حرکت جهشی و جهادی خلاقانه به سمت اصول و مبانی انقلاب با هدف پیشرفت کشور و داشتن نقش پیش‌برندگی جهانی و ایجاد جامعه نمونه و الگو در جهت ارتقای دین، فلسفه اخلاق، اقتصاد، سلامت و بهداشت، محیط‌زیست، مرگ‌ومیر، باروری، زیبایی و هنر است که در نهایت موجب تربیت انسان شایسته، محور تمدن در جهت رفع نیاز و خودکفایی کشور آموزش خواهد بود. (خامنه‌ای، در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، بند هفتم، ۱۴۰۰/۲/۲۱؛ دیدار با فرهنگیان و معلمان، بند هشتم، ۱۳۹۳/۲/۱۷ و دیدار با کارگران، بند چهاردهم، ۱۳۹۵/۲/۸)

از آنجا که نظام تعلیم و تربیت دارای اهداف غایی، اهداف کلی، اهداف میانی و اهداف جزئی و رفتاری است (حسین‌زاده، ۱۳۹۹: ۷۳)، تمدن‌سازی هدف میانی تعلیم و تربیت است. چرا که غایت تعلیم و تربیت و غایت تمدن اسلامی حیات طیبه است (کیاسالاری، ۱۳۹۴: ۴۳)، یعنی تمدن‌سازی و تربیت در غایت باهم مشترک هستند و نسبت این دو در نقطه اشتراکشان که همان رسیدن انسان‌ها به حیات طیبه است، مشخص می‌شود. به عبارت دیگر، «تعلیم و تربیت مطلوب تحقق‌بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی، تمدن نوین ایرانی اسلامی است» (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۵). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) چشم‌انداز خود را تحقق تمدن اسلامی می‌داند و بیان می‌کند که «برای تحقق پیشرفت همه‌جانبه و پایدار جامعه صالح دینی در دوران معاصر، علاوه بر داشتن طرحی روشن از آن، باید با پردازش الگوهای کاربردی منطبق با نظام معیار اسلامی و تأسیس نهادها و سازوکارهای متناسب با این طرح، مسیری متمایز با راه طی شده برای توسعه توسط جوامع مدرن غربی» را بپیماییم (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

یکی از کارکردهای مهم نظام آموزشی جامعه‌پذیری است. بر اساس مطالعات، دو نوع جامعه‌پذیری وجود دارد: رویکرد سنتی و رادیکال که در آن معلم به‌عنوان عامل دولت و حکومت کار می‌کند و نه به‌عنوان عاملی برای وجدان و تمدن. دوم رویکرد تعلیم و تربیت لیبرال که بر اساس فلسفه نسبیّت ارزش‌ها بنا نهاده شده است؛ لذا افرادی مانند نیومن^۱، ضمن نقد رویکردهای سنتی، آموزش خاصی از جامعه‌پذیری که همان آموزش تمدن است را توصیه می‌کنند (نیومن، ۱۹۷۷: ۲۱۴). بر اساس دیدگاه اسلامی و اصالت فرد، در خصوص نسبت تمدن و تربیت می‌توان از مفهوم ترکیبی بدیع «تربیت تمدنی» نام برد؛ البته منظور از آن تربیت افرادی عادی و با افق نگاه سطحی نیست، بلکه باید فردی در حد یک «امت» تربیت شود؛ بنابراین، برای ساخت تمدن باید افراد را برای «امت» شدن تربیت کرد و نظام آموزشی و پرورشی در جامعه نیز باید برای تربیت چنین نسلی برنامه‌ریزی کند (بابایی، ۱۳۹۴: ۳۴). مطابق با نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مهم‌ترین موضوع تمدنی ما تعلیم و تربیت است: «برای یک کشور و تمدن، از همه سرمایه‌ها مهم‌تر، سرمایه انسانی است. یعنی اگر پول داشته باشید ولی سرمایه انسانی نداشته باشید به جایی نمی‌رسید» (دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۲/۱۱).

با بررسی‌هایی که در ادبیات پژوهش صورت گرفت مشخص شد، پژوهش‌هایی که مستقیم تمدن‌سازی در نظام آموزشی مبتنی بر بیانات رهبران انقلاب اسلامی ایران را بررسی کرده باشد، انگشت‌شمار هستند که به این موارد اشاره می‌شود:

مقاله «الگوی استخراج نظام مسائل آموزش و پرورش کشور مبنی بر بیانات حضرت امام خامنه‌ای» وضع مطلوب آموزش و پرورش را در سه بخش (۱) چشم‌انداز، (۲) نقشه راه و (۳) برنامه‌ریزی راهبردی مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهشگران بیان می‌دارند بر اساس نظرات مقام معظم رهبری برای تدوین نقشه راه باید ابتدا خروجی مطلوب را مشخص کرد، سپس اقدامات کلان را ترسیم و در نهایت نظامات و تشکیلات را طراحی نمود. از آنجا که وضع مطلوب برگرفته از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تمدن‌سازی است، لذا در این نگاه خروجی نظام آموزش و پرورش باید سرمایه انسانی تمدن‌ساز تربیت کند (طباطبایی و فریدونی، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

مقاله «تبیین مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی موردنظر مقام معظم رهبری و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران» به استخراج ۹ مؤلفه از بیانات مقام معظم رهبری رسیده است. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: علم و معرفت، استقرار عدالت، اخلاق (فردی و بین‌فردی)، ایمان، تلاش و کوشش و ابتکار (خلاقیت)، پرهیز از سطحی‌نگری و تقلید، محوریت قرآن و عمل به تعالیم آن، خردورزی و اهتمام در به‌کارگیری عقلانیت انسانی، استقلال و حکومت مردمی (دیباچی، کارآمد و طهماسب‌زاده، ۱۳۹۸: ۹۵). مقاله «تبیین و نقد جریان مدارس تمدن‌ساز امام خمینی ره در ایران»، به مصاحبه با مسئولین و فعالین مجموعه تمدن‌ساز امام خمینی پرداخته و نشان داده، فعالیت‌ها و آموزش‌های این مجموعه در راستای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است؛ اما آزمون و خطاهای متعددی دارد و از متون نظری رایج در زمینه تعلیم و تربیت کمتر بهره برده است (محمدآبادی و یاری دهنوی، ۱۳۹۹: ۲۱).

در بررسی نگارندگان هویت دانش‌آموزان (که حاصل تربیت معلمان با هویت است) هسته اصلی تمدنی است که در بستر مدرسه شکل می‌گیرد. هویت در بستری از تعاملات شکل می‌گیرد و برساختی اجتماعی دارد. اگر به این گزاره قائل باشیم که «بقای انسان و تعالی او هنگامی جامه عمل می‌پوشد که روابط انسان در ۴ حیطة سامان یابد: رابطه انسان با خداوند به‌عنوان خالق و ربّ او، رابطه انسان با خود، رابطه انسان با دیگران، رابطه انسان با طبیعت^۱». به هدف فلسفه تربیت اسلامی نزدیک شده‌ایم چرا که «فلسفه تربیت اسلامی از عقیده توحید سرچشمه می‌گیرد؛ این فلسفه برای رسیدن به دو هدف اساسی تلاش می‌کند (۱) بقای انسان و (۲) تعالی انسان به پایه‌ای که در خور جایگاه او در هستی است.» (کیلانی، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

منظور از رابطه، پیوند و همبستگی و تعامل است. انسان به اقتضای نحوه وجودش با مجموعه‌ای از عوامل، پیوند و همبستگی شناختی عاطفی دارد و عملکردهایش در تعامل و ارتباط با آنها شکل می‌گیرد و از آنجا که عواملی چون خالق عالم هستی،

۱. برخی صاحب‌نظران تربیت اسلامی به این روابط دو رابطه دیگر نیز افزوده‌اند: رابطه انسان با زندگی و رابطه انسان با عالم آخرت. در این دیدگاه که برگرفته از آیات قرآن است رابطه انسان با زندگی بر مبنای ابتلا و رابطه انسان با آخرت مبتنی بر مسئولیت تعریف شده است (الکیلانی، ۱۳۹۰، ۱۱۸).

انسان‌های دیگر، طبیعت و... می‌توانند در وجود انسان تأثیر بگذارند، آدمی ملزم به ساماندهی عملکردهای خویش در این حوزه‌هاست (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۰-۴۳). این مناسبات چهارگانه با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند و باید به صورت همه‌جانبه در متربی رشد یابند؛ زیرا تحقق برخی از این روابط به تحقق روابط دیگر می‌انجامد. در نگاه قرآنی محور همه این روابط، رابطه با خداوند است و دیگر روابط، معنا و کاربردشان را از این رابطه می‌گیرند؛ پس اگر این رابطه سست شود دیگر روابط هم به سستی می‌گراید و از معنا تهی شده و پویایی خود را از دست می‌دهند و به شعارهایی بی‌معنا تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال، رابطه تقوایی انسان با خدا که در آموزه‌های دینی بر آن تأکید شده در بسیاری از روابط فرد با انسان‌های دیگر نیز تبلور پیدا می‌کند (فقیهی، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

این پژوهش با هدف بررسی نقش مدرسه در تمدن‌سازی با تأکید بر مؤلفه معلمان، سعی کرده است به بررسی شایستگی مربیان و متربیان برای تحقق اهداف مدارس تمدن‌ساز در پرتو بیانات رهبران انقلاب اسلامی ایران پرداخته شده است. از مجموعه تعاریف شایستگی چنین استنباط می‌شود که این تعارف بر مهارت، توانایی، انگیزه و صفات شخصیتی تأکید دارند (پیری و همکاران، ۱۳۹۸) که با عملکرد شغلی یا پیامد مهم زندگی ارتباط مستقیم دارند (سامپسون و فایتوس^۱، ۲۰۰۸) و عملکرد اثربخش را محقق می‌کنند (سانگ و گیل^۲، ۲۰۰۸). مدل‌های شایستگی مانند تعاریف آن متعدد هستند. در حوزه شایستگی معلمان پژوهش‌های متعددی انجام شده است که در جدول ۱ نمونه‌ای از این موارد اشاره شده است:

1. Sampson & Fytros
2. Song & Gale

جدول شماره ۱- بررسی مؤلفه‌های شایستگی معلمان در پژوهش‌های اخیر

نتایج و مؤلفه‌های شایستگی معلمان	مشخصات پژوهش
مهارت تربیتی، دانش تخصصی، صلاحیت اخلاقی، سلامت جسمانی و روانی و وضعیت دانش‌آموزان	زارعی، محمدامین؛ الله کرمی؛ آزاد (۱۴۰۱). شناسایی مؤلفه‌های شایستگی معلمان و ارائه چارچوبی جهت ارزشیابی آنان. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۶(۵۶)، ۹۱-۱۰۴
ابعاد دوره‌های آموزشی، روابط توسعه‌ای، فرایند بازخوردی، فعالیت خودتوسعه‌ای.	دیباپی صابر؛ سبحانی نژاد، مهدی. (۱۴۰۰). شناسایی مؤلفه‌های نظام توسعه شایستگی معلمان دوره متوسطه از دیدگاه خبرگان. پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۱۷(۱)، ۶۱-۷۵
ایجاد انگیزه/ رغبت و علاقه، برنامه‌ریزی، شروع فرایند یادگیری، پیاده‌سازی فرایند یادگیری و نهادینه ساختن شایستگی فناوری	حبیبی آذر، افسانه؛ کیهان، جواد؛ طالبی، بهنام. (۱۴۰۰). مطالعه‌ای پدیدارشناسانه فرایند کسب شایستگی فناورانه معلمان ایران با هدف ارائه یک مدل بومی. فناوری آموزش، ۱۴(۴)، ۸۴۷-۸۶۶
شایستگی‌های رفتاری - اخلاقی - عاطفی، دانشی، حرفه‌ای، نگرشی، معیارهای عملکرد عمومی و تخصصی	حسینی، شاه‌حسینی، فانی، احمدزهی (۱۴۰۰). تدوین و طراحی مدل ارزشیابی عملکرد مبتنی بر شایستگی معلمان دبیرستانی در ایران: کاربرد رویکرد ترکیب. مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، ۱۳(۲)، ۱۹۵-۲۳۶
فناوری اطلاعات و ارتباطات، معرفت دینی، شیوه‌های ارزشیابی، ویژگی‌های شخصیتی، مدیریت کلاس و تدریس و دانش محتوایی	رضوانیان، مهرناز سادات؛ جعفری ثانی، حسین؛ کرمی، مرتضی (۱۳۹۹). شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شایستگی تدریس معلمان مبتنی بر دیدگاه‌های آینده‌نگران جهانی. اولین همایش ملی برنامه درسی و اشتغال.
گذشته: تسلط بر دانش موضوعی و روش آموزش آن، کنونی: شایستگی‌های اخلاقی و نقش‌الگویی معلم، آینده: شایستگی‌های انسان‌گرایانه، فرادانشی و فراشناختی	رضایی منیره (۱۳۹۹). شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان: گذشته، حال، آینده. نشریه تعلیم و تربیت، ۳۵(۲)، ۱۲۹-۱۵۰
ارزش‌ها، دانش‌ها، انگیزش‌ها، سلامت، توانایی‌ها، رغبت‌ها، باورها و صلاحیت اخلاقی.	جاویدان، لیدا؛ علی اسماعیلی عبدالله؛ شجاعی، علی اصغر (۱۳۹۸). تدوین الگوی ویژگی‌ها و شایستگی‌های معلمی بر اساس اسناد بالادستی آموزش و پرورش. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۱۲۳-۱۱۳۶.
پنج مؤلفه دانش، نگرش، مهارت، توانایی و ویژگی‌های شخصیتی	دیباپی صابر، محسن؛ عباسی، عفت؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ صفایی موحد، سعید (۱۳۹۷). تبیین مؤلفه‌های شایستگی حرفه‌ای معلمان و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران. پژوهش‌نامه استان قم، ۱۲(۱۵)، ۸۳-۱۰۶

مدل انتخابی شایستگی معلمان در این پژوهش بر اساس نقاط اشتراک و اهمیت، دانش، مهارت، ویژگی‌های اخلاقی و توانمندی‌های ذهنی و باورهاست که با غور در بیانات رهبران انقلاب نیز همخوانی دارد.

بنابراین، سؤالات پژوهش به این شرح است:

سؤال ۱ - مؤلفه‌های هویت دانش‌آموزان با هدف تمدن‌سازی در نگاه رهبران انقلاب اسلامی ایران چیست؟

سؤال ۲ - شایستگی معلمان با هدف تمدن‌سازی برای شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان در نگاه رهبران انقلاب اسلامی ایران چیست؟

از آنجا که هسته محوری هویت‌سازی در روابط محقق می‌شود، در این بررسی الگوی ارتباطی که از غور در ادبیات رهبران انقلاب اسلامی به دست آمده مورد توجه قرار گرفت.

۱-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع هدف‌کاربردی و از نظر راهبرد، کیفی است. برای پاسخ به سؤال پژوهش جامعه کلیه بیانات و پیام‌های رهبران انقلاب اسلامی ایران بود که به شیوه هدف‌مند مواردی که در جمع فعالان در حیطه تعلیم و تربیت مربوط بودند انتخاب و به شیوه تحلیلی - استنتاجی بررسی شدند. در انتخاب سخنرانی‌ها هر جا دیدار با فرهنگیان (معلمان، دانش‌آموزان، مدیران و دبیران)، رؤسا و مدیران و کارکنان آموزش و پرورش، نمایندگان انجمن‌ها و تشکل‌های دانش‌آموزی، سخنرانی‌های ایام خاص مرتبط با تعلیم و تربیت یا روز معلم بوده یا هر برنامه مرتبط با حیطه مورد بحث بوده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در نهایت یافته‌ها در دو بخش معرفی شدند. بخش اول: مبتنی بر غوطه‌وری در بیانات، هویت‌سازی در دانش‌آموزان هدف تعلیم و تربیت بیان شده بود که به همین دلیل مبتنی بر روابط اشاره شده، نگاه رهبران انقلاب به این مقوله مورد کنکاش قرار گرفت. بخش دوم: به دلیل پایش ادبیات پژوهش، شایستگی سرمایه انسانی به عنوان مقوله اصلی مدنظر قرار گرفت که مبتنی بر تأکیدات بر نقش محوری معلمان، تحلیل‌ها بر چهار مقوله شایستگی سرمایه انسانی معلمان متمرکز شد. در بررسی دقیق، آنچه در الگوی ارتباطی بین مفاهیم به چشم آمد، تکیه بر اتصال به خداوند، توجه به بیگانگان و نسبت به جامعه بوده است.

۲. یافته‌ها

سؤال ۱ - مؤلفه‌های هویت دانش‌آموزان با هدف تمدن‌سازی در نگاه رهبران انقلاب اسلامی ایران چیست؟

آنچه به‌عنوان هویت برای دانش‌آموزان تعریف شده است در چهار رابطه با خداوند، با خویشتن، با جامعه و نسبت به بیگانگان قابل‌ارائه است. در صورت شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان است که انسان طراز انقلاب اسلامی تربیت خواهد شد؛ انسانی مؤمن، خردمند، اندیشمند و مجاهد و اهل عمل.

آن انسان طراز اسلامی‌ای را که توقع هست آموزش و پرورش او را تربیت کند معرفی کنیم، این جور تعریف می‌کنیم که انسانی باشد با این خصوصیات: اولاً مؤمن باشد؛ ایمان اولین شرط است. ثانیاً خردمند باشد؛ یعنی عقل را به کار بگیرد. «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» در قرآن ببینید چقدر هست! ثالثاً اندیشمند باشد؛ یعنی فکر کند. عقل فقط برای پیدا کردن راه‌های عملی زندگی نیست؛ عمده برای فکر کردن و اندیشیدن است که این از دانشمند شدن مهم‌تر است. اگر بخواهیم دانشمندان خوبی داشته باشیم، باید اندیشمندان خوبی داشته باشیم. بعد، دانشمند شدن و کسب علم؛ این هم یک خصوصیت است. مجاهد و اهل عمل باشد؛ یعنی نشستن و حرف زدن و صرفاً فکر کردن و حرافی کردن کافی نیست، باید اهل عمل باشد... اینها خصوصیات انسانی است که ما توقع داریم در آموزشی که شما می‌دهید و پرورشی که شما می‌کنید، یک چنین انسانی به وجود بیاید (خامنه‌ای، در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش، ۹۹/۶/۱۱، بند سوم).

اکنون ذیل روابط ذکر شده به ویژگی‌های دانش‌آموزان در این چهار نسبت در بیانات پرداخته شده است:

الف) نسبت به خداوند؛ در همه بیانات و پیام‌های امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای اولین اصل مقدم توجه به ایمان به خداوند است. گویا در نگاه این رهبران همه پایه‌های تمدنی بر این اصل نهاده شده است. در امتداد این اصل، خودسازی در ابعاد فردی و جمعی زیربنای ساخت سرمایه‌ای مستحکم است که در همه عرصه‌ها می‌تواند حضور یابد و بدرخشد.

توصیه اول من به شما جوان‌های عزیز، چه دانشجو و چه بقیه جوان‌هایی که از آنها اسم آوردم، مسئله خودسازی است؛ خودسازی خیلی مهم است؛ هم در ابعاد

فردی، هم در ابعاد جمعی. هم شخص خود شما باید خودسازی کنید، هم جمعتان باید به عنوان یک جمع خودسازی کند، خدا باوری در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی ایران چنان کلیدی است که همه ابعاد وجودی و فعالیت‌ها و خدمات او را باید در برگیرد تا راه هموار شود (خامنه‌ای، در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۹۹/۲/۲۸، بند ۱۴).

یک وقت است که ورزشکاری در خدمت طاغوت است و تعلیم و تربیت هم همین طور در خدمت طاغوت. ورزشکاری در خدمت طاغوت، تعلیم و تربیت در خدمت طاغوت جز خسران برای یک کشوری به دست نمی‌آید و یک وقت است که این دو قوه، این دو نیروی بزرگ در خدمت الله است، در خدمت خداست، آن وقت که این دو نیرو در خدمت خدا در آمد، [و] ایمان در آنها تقویت شد [و اینکه] تعهد داشته باشند برای پیشبرد مقاصد اسلام یک نیروی عظیمی پیدا می‌شود (موسوی خمینی، سخنرانی در جمع ورزشکاران و فرهنگیان بابل، ۵۸/۳/۳۰: ۲۲۴).

ب) نسبت به خودش؛ باور دانش‌آموزان امروز به اینکه سکان این جامعه در آینده به دست خود آنهاست، انگیزه‌ای برای حرکت و خودسازی است. رهبران انقلاب متعدد به این موضوع اشاره کرده‌اند.

شما جوان‌ها، شما جوان‌هایی محصل، سایر جوان‌ها امید من هستید، نوید من هستید. امید من به شما توده جوان است، به شما توده محصل است. من امید این را دارم که مقدرات مملکت ما بعد از این به دست شما عزیزان بیفتد و مملکت ما را شما عزیزان حفظ کنید، من امید آن را دارم که شما با علم و عمل، با علم و تهذیب نفس، با علم و عمل صالح، بر مشکلات خودتان غلبه کنید (موسوی خمینی، سخنرانی در جمع فرهنگیان و دانش‌آموزان قم، ۵۷/۱۲/۱۷، ج ۶: ۳۵۰).

جوانان عزیز من! فرزندان من! دنبال تقلید نباشید. بر روی شیوه و راهی که در آن ذهن و اراده و ایمان شما قوی می‌شود و اخلاق شما پاک و آراسته می‌گردد، فکر کنید. آن‌گاه شما عنصری خواهید بود که مثل یک ستون، سقف مدنیت این کشور و تمدن حقیقی این ملت بر روی آن قرار می‌گیرد (خامنه‌ای، دیدار با جوانان و فرهنگیان در مصلى رشد، ۸۰/۲/۱۲، ۲۵).

در این صورت، چنین امیدی نیازمند شایستگی‌هایی است؛ دانش‌آموز باید به چنان سطحی از توانمندی و شایستگی برسد که بتواند مؤثر باشد و مسیر تحول به‌سوی

تمدن‌سازی را به‌تنهایی طی نکند. قطعاً چنین فردی سطحی‌نگر نیست و با نگاه بلندمدت، می‌تواند رهبر دیگران بشود.

کودک ما فرا بگیرد که فکر کند، فکر صحیح، فکر منطقی، و برای فکر کردن درست راهنمایی بشود. سطحی‌نگری، سطحی‌آموزی در مسائل زندگی یک جامعه را زمین‌گیر می‌کند، در بلندمدت بدبخت می‌کند (خامنه‌ای، دیدار با فرهنگیان و معلمان، ۹۳/۲/۱۷، بند ۴).

ای بسا دانش‌آموزی که خود او هنوز در موقعیت قانونی برای رأی‌دادن نیست، اما می‌تواند خانواده خود را برای ورود در این میدان، برای انجام مسئولیت، تحت‌تأثیر قرار دهد (خامنه‌ای، دیدار با جمعی از فرهنگیان، ۹۲/۲/۱۸، بند ۱۳).

ج) نسبت به جامعه؛ عشق به میهن و وفاداری به آن اصلی مهم است که تلاش برای پیشرفت را معنا می‌بخشد. دانش‌آموزان این عشق را مشعلی برای روشنی راه قرار می‌دهند تا از فراز و فرودها گذشته و هزینه این انتخاب را به جان بخرند.

هر جوانی دوست می‌دارد کشوری که در آن زندگی می‌کند و خاکی که از آن روئیده، عزیز، سربلند، مقتدر و برخوردار از همه زیبایی‌ها و نیکی‌ها باشد؛ دلش می‌خواهد جامعه متمدنی داشته باشد؛ دلش می‌خواهد از پیشرفت‌های علمی و عملی برخوردار باشد. این آرزوی هر جوانی است. برای این، دو راه در پیش است: یک راه واقعی، یک راه کاذب و بدلی. راه واقعی را باید پیدا کرد، زحمات آن را پذیرفت و هزینه‌اش را هم باید پرداخت (خامنه‌ای، دیدار با جوانان و فرهنگیان در مصی‌رشد، ۸۰/۲/۱۲، بند ۱۸).

اما مسیر رسیدن به آرمان‌ها صعب و طولانی است. از این‌روی دانش‌آموزان لازم است در خود صفات، اخلاق و توانمندی‌هایی را نهادینه کنند که انسان طراز انقلاب اسلامی باشد. در این صورت است که امید پیمودن راه خواهد بود و تربیت تمدنی در همه ابعاد شکل می‌گیرد.

این احتیاج دارد به انسان‌های صبور، عاقل، متدین، اهل ابتکار، اهل اقدام، دور از تنبلی، مهربان، عطوفت، دارای حلم، دارای شجاعت، با رفتارهای مؤدبانه، پرهیزگار و انسان‌هایی که درد دیگران، درد آنها محسوب بشود. بافت انسان و قالب و تراش یک انسان مطلوب اسلام چیزی است که با تربیت حاصل می‌شود (خامنه‌ای، دیدار با فرهنگیان و معلمان، ۹۳/۲/۱۷، بند ۵)

دانا، باایمان، اعتماد به نفس، امید، نشاط، سلامت جسمی و روحی، روشن بین، بااراده، کم هزینه و پرفایده (خامنه‌ای، دیدار با معلمان و فرهنگیان، ۹۴/۲/۱۶، بند ۶).
لازمه طی مسیر بدون توقف، دوری از عادات غلط و صفات منفی است؛ همان چیزهایی که می‌تواند در دشواری راه نفوذ صفات رذیله یا بیگانگان را باز کند و به ازدست رفتن سرمایه‌های این مرزوبوم منجر شود.

عادات غلطی در بین ما مردم وجود دارد که با اینها بایستی برخورد کرد... در کشور ما اسراف وجود دارد؛ اسراف آب، اسراف مواد غذایی، اسراف برق. مسابقه تجمل که حالا ما اشرافی‌گری را نفی کردیم و زشت شمردیم که به جای خود مطلب کاملاً درستی است لکن مشکل اینجا است که ریخت و پاش‌های اشرافی‌گرانه به طبقات غیر اشرافی هم در واقع سرایت کرده (خامنه‌ای، ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۴۰۰/۲/۲۱، بند ۱۰).

از آنجا که تمدن چیزی فرای مرزهای یک جامعه است، بنابراین حساسیت به هر آنچه در دنیا رخ می‌دهد، به خصوص در ممالک اسلامی، بر دانش‌آموزان واجب است.
تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله جنگ‌افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه کشور و همه ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۹۷/۱۱/۲۲، بند ۱۴).

د) نسبت به بیگانه؛ دانش مهم‌ترین ابزار قدرت در عصر امروز است و به همین دلیل سرمایه انسانی مهم‌ترین سرمایه محسوب می‌شود؛ بنابراین اولین ابزار برای مبارزه با بیگانگان دانشی است که دانش‌آموز به آن تجهیز می‌شود.

دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو بیست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و

اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۹۷/۱۱/۲۲، بند ۲۶).

یادآوری آنچه در انقلاب رخ داد و معیارهایی مانند وحدت کلمه، چیزی نیست که محصور در زمان باشد؛ بنابراین جوانان لازم است از ارزش‌هایی که منجر به انقلاب شد، عبرت گیرند و همواره با تمسک به آن ارزش‌ها در مقابل بیگانگان پایداری ورزند. ای امید من، ای امیدهای من، ای نویدهای من، ای فرزندان عزیز اسلام، رمز پیروزی را دریافتید. دریافتید که در این دو سال اخیر با وحدت کلمه ریشه استبداد، ریشه سلطنت استبدادی ۲۵۰۰ ساله را از بیخ کندید... این رمز را از دست ندهید، صف‌های خود را فشرده‌تر کنید، روابط خود را با همه قشرها خصوصاً با روحانیون زیاد کنید. شما آمال و آرزوی ما هستید. ملت ایران با این وحدت کلمه آمال و آرزوی اسلام است. باید با وحدت کلمه همه چیزهایی که پیش آمده است حفظ کنید.

با شجاعت، باشهامت، با احساس مسئولیت، با قدرت، با عزت در مقابل دشمن می‌ایستد برای اینکه به اهداف والای بزرگ جامعه خود و نظام خود کمک کند (موسوی خمینی، سخنرانی در جمع فرهنگیان و دانش‌آموزان قم، ۵۷/۱۲/۱۷، ج ۶: ۳۵۱).

سؤال ۲- شایستگی معلمان با هدف تمدن‌سازی برای شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان در نگاه رهبران انقلاب اسلامی ایران چیست؟

در نگاه رهبران انقلاب اسلامی ایران، معلم محور اصلی تربیت و تحول است. به عبارت دیگر، معلم زیرساختی برای داشتن جامعه متمدن محسوب می‌شود.

یک کشور اگر بخواهد به سرفرازی برسد، به رفاه و غنا برسد، به علم و تفوق علمی منتهی شود، اگر بخواهد مردم شجاع، آزاده، فهمیده، عاقل، خردمند و متفکر تحویل جامعه بشری دهد، باید این زیرساخت اصلی را درست کند؛ زیرساخت تعلیم دوران کودکی و نوجوانی. این، شأن معلم است (خامنه‌ای، دیدار با جمعی از فرهنگیان، ۹۲/۲/۱۸، بند ۵).

در این بخش شایستگی‌های اشاره شده در بیانات، برحسب ابعاد ارتباطی هویت‌ساز در معلمان احصا شده است:

الف) ویژگی‌های اخلاقی معلم

نقش معلم اولاً در نسبت با دانش‌آموزان تعریف می‌شود. اگر ارتباط مؤثر بین معلم و دانش‌آموز شکل بگیرد، آموزش مؤثر خواهد شد. در این رابطه، بیشترین اثرگذاری از مجرای اخلاقمندی و منش رخ می‌دهد؛ بنابراین معلمان بر اساس تخصص خود به هر درسی که می‌پردازند، ضرورت دارد به مسائل معنوی و منش خویش توجه داشته باشند. چرا که ماندگارترین و اثرگذارترین حقیقتی است که در ذهن باقی می‌ماند و گاهی این اثر ناخودآگاه است؛ بنابراین اهمیت اخلاقمندی در معلم به دلیل اثرگذاری عمیق و پنهانی که دارد در جای‌جای کلام رهبران انقلاب به چشم می‌خورد که این اخلاقمندی با همان تأکیدات بنیادی باید مبتنی بر معنویت اسلامی باشد.

معلم ریاضیات، معلم فیزیک، معلم طبیعی، در عین حال معلم اخلاق هم هست. گاهی یک معلم سرکلاس، فرض بفرمایید در وسط درس هندسه یا درس شیمی، در زمینه مسائل معنوی یا در زمینه خداشناسی یک کلمه بر زبانش جاری می‌شود که گاهی آن یک کلمه، بیش از یک کتاب در ذهن دانش‌آموز اثر می‌گذارد و باقی می‌ماند؛ با اخلاق خود، با منش خود، معلم دارای اخلاق، پرورنده اخلاق در دانش‌آموز است. معلم منبع الطبع، معلم صبور، معلم متدین، معلم متین، این خصوصیات و خصلت‌ها را با رفتار خود به دانش‌آموز خود منتقل می‌کند و لو یک کلمه هم در این زمینه‌ها حرف نزنند؛ این نقش معلم است (خامنه‌ای، دیدار جمعی از معلمین استان کرمان، ۸۴/۲/۱۲، بند ۶).

بعد از پنجاه سال، شصت سال، خیلی از جزئیاتی که معلم به دانش‌آموز گفته است، در ذهن انسان هست، خیلی از خصوصیات که او با رفتار خود، با اخلاق خود، با نحوه حرف زدن خود، با نحوه تعامل خود به دانش‌آموز منتقل کرده است، در انسان باقی می‌ماند. گاهی انسان متوجه است، گاهی هم متوجه نیست؛ همه ما ندانسته در همان راهی داریم حرکت می‌کنیم که بخش معظمی از آن را معلمین در نهاد ما قرار داده‌اند. این خیلی چیز مهمی است (خامنه‌ای، دیدار با جمعی از فرهنگیان، ۹۲/۲/۱۸، بند ۴).

الف-۱) اتصال به خداوند؛ ویژگی‌های اخلاقی و ملکات در معلم باید نهادینه شود، چرا که «معلم اگر شخصیت خودش ساخته نباشد، نمی‌تواند به متعلم خود، به مخاطب خود چیزی بدهد.» (خامنه‌ای، دیدار با جمعی از فرهنگیان، ۹۲/۲/۱۸، بند ۱۰). مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی که برای اثربخشی تربیت در معلم توصیه شده است، اخلاص است که عیار کار را بالا می‌برد.

یک خصوصیت معلمی که [اگر] شما معلمان عزیز و نومعلم‌ان و جامعه معلمین به آن توجه کنند خوب است، این است که در این کاری که با این خصوصیات عرض کردیم (رنج زیاد و بازده مادی کم) امکان اخلاص هست (خامنه‌ای، دیدار معلمان و فرهنگیان، ۹۵/۲/۱۳، بند ۴).

الف- ۲) ارتباط با جامعه؛ انقلاب ایران بر اساس ارزش‌های دینی شکل گرفت و یکی از پایه‌ای‌ترین این ارزش‌ها مبارزه با طاغوت بود و هست. رهبران انقلاب ضمن آگاهی از استمرار مبارزه و دوری از مظاهر بازگشت به طاغوت، از اصول پایداری در این راه را توجه مداوم به آموزه‌های دینی و اخلاقمندی معرفی کرده‌اند و در این مسیر از تمایل به اشرافیت برحذر داشته‌اند؛ بنابراین یکی از شاخصه‌های اخلاقی معلمان در تربیت خویش و دانش‌آموزان را دورماندن از زندگی اشرافی دانسته‌اند و در ضمن آن، ارزش هر نوع پیشرفتی را منوط به رعایت اخلاق و معنویت دانسته‌اند؛ بنابراین تربیت تمدنی لازم است که مبتنی بر تربیت قرآنی باشد. اشرافی بار نیامدن؛ زندگی اشرافی را بر اینها تزریق نکردن... (خامنه‌ای، دیدار معلمان و فرهنگیان، ۹۵/۲/۱۳، بند ۱۵).

اینکه ما تکیه می‌کنیم بر روی نیروهای انقلابی و نیروهای متدین، به‌خاطر این است که ما راه طولانی در پیش داریم؛ این ملت راه طولانی در پیش دارد. هدفی که ما برای جمهوری اسلامی، بر اساس آموخته‌های عمومی انقلاب در نظر گرفتیم آن هدف، هدف خیلی والایی است. هدف، ایجاد یک جامعه نمونه است. شما می‌خواهید در محدوده ایران عزیز که از لحاظ جغرافیایی در یک نقطه بسیار حساسی از دنیا هم واقع شده است، یک جامعه‌ای بسازید که به برکت اسلام و زیر پرچم قرآن، الگو باشد؛ هم الگو از لحاظ مادی و پیشرفت‌های مادی، هم در عین حال الگو از لحاظ معنویت و از لحاظ اخلاق (خامنه‌ای، دیدار با فرهنگیان و معلمان، ۹۳/۲/۱۷، بند ۸).

الف- ۳) نسبت به بیگانگان؛ رهبران انقلاب مدام بر طاغوت درونی و بیرونی اشاره کرده و تذکر داده‌اند که معلمان و دانش‌آموزان از آنها غافل نباشند. در نگاه ایشان اگر ویژگی‌های اخلاقی معلمان به‌گونه‌ای باشد که به تربیت صحیح و اسلامی دانش‌آموزان منجر شود، این تربیت به طور طبیعی و فطری راه را بر تسلط بیگانگان نفسانی و بیرونی می‌بندد و مجرای نفوذ را سد می‌کند.

در دبیرستان‌ها، در دبستان‌ها، از همان اول که بچه‌ها تحویلشان داده می‌شود باید مسئول تربیت آنها باشند، مشغول این باشند که اینها را تربیت کنند، یک تربیت صحیح

اسلامی که در تربیت صحیح اسلامی همه [خصوصیات] است. یعنی یک مسلم اگر همان طوری که اسلام می خواهد بزرگ بشود، این ممکن نیست که به مملکت خودش خیانت بکند، ممکن نیست که به برادر خودش، به همسایه خودش، به همشهری خودش، به یک آدم غریبه خیانت بکند. اصلاً خیانت منتفی می شود. ما باید کوشش کنیم که افراد صالح درست بکنیم (موسوی خمینی، سخنرانی در جمع مدیران دبیرستان های قم، ۵۸/۱/۱۵، ج ۶: ۴۷۷).

ب) دانش کاربردی معلم

در بیانات رهبری «معلمان افسران سپاه پیشرفت کشورند.» (خامنه ای، خطاب به ملت ایران به مناسبت روز معلم، ۱۴۰۰/۲/۱۲، بند ۱۰) بنابراین ضمن باور به این نقش، لازم است به دانش کاربردی و مهارت های عملی تجهیز باشند. بخش مهمی از دانش کاربردی پرداختن به بعد پرورش است. آموزش به تنهایی کافی نیست. چرا که دانش کاربردی وقتی نافع می شود که با آرمان ها و ارزش ها درهم آمیخته باشد و سمت و سوی ارزش های انقلاب اسلامی را داشته باشد؛ بنابراین پرورش به گونه ای که رشد همه جانبه شخصیت دانش آموز را به همراه داشته باشد و استعداد های او را شکوفا کند ضرورت دارد. اگر چنین باشد، استعدادیابی یکی از نیازهای پایه است که معلم در آن نقش کلیدی دارد. اگر مبنای شکل گیری حکومت اسلامی برقراری عدالت اجتماعی است، استعدادیابی و پرورش آن نیز مبنایی است که با قاعده ای علمی باید به آن پرداخت تا استعدادها هرز نروند و به سرمنزل مقصود برسند.

آموزش تنها اثر ندارد. پرورش پهلوی آموزش باید باشد. یعنی جوان ها وقتی که در دانشگاه ها [و] دانشسراها بروند برای تحصیل، اگر همان تحصیل محض باشد، گاهی وقت ها شاید مضر هم باشد به حال کشور. بسیاری از ضرر هایی که به کشور ما وارد شده است از همین تحصیل کرده ها وارد شده است. طرح های منافی با کشور ما بسیاری اش به دست همین تحصیل کرده ها شده است. تحصیل کرده هایی که آموزش داشته اند، لکن پرورش نداشته اند. تحصیل کرده هایی که فقط برای منافع شخصی خودشان کارها را انجام می دادند (موسوی خمینی، سخنرانی در جمع فرهنگیان شهرستان شهرضا، ۵۸/۴/۲۳، ج ۹: ۵۷).

پرورش فقط دین دار شدن و عمق ایمان یافتن نیست که ما دنبالش هستیم. پرورش تأثیر خودش را در رفتارها، برخوردها، رشد شخصیت، تقویت اعتماد به نفس و

جوشاندن چشمه استعداد نشان می‌دهد؛ بنابراین مسئله پرورشی، یک مسئله مهم است (خامنه‌ای، دیدار با معلمان سراسر کشور، ۸۵/۲/۱۲، بند ۱۱).

عدالت به معنای این نیست که ما با همه استعدادها با یک شیوه برخورد کنیم؛ نه، استعدادها بالاخره مختلف است؛ نباید بگذاریم استعدادی ضایع بشود و برای پرورش استعدادها بایستی تدبیر بیندیشیم؛ در این تردیدی نیست. اما ملاک، باید استعدادها باشد، لاغیر. عدالت، این است (خامنه‌ای، دیدار با معلمان سراسر کشور، ۸۵/۲/۱۲، بند ۸).

گاهی اوقات می‌بینید که یک استعداد برجسته و برتر یک کشور را از یک گذرگاه مهم و خطرناکی عبور می‌دهد (خامنه‌ای، در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش، ۹۹/۶/۱۱، بند ۲۰).

ب-۱) اتصال با خداوند؛ دانش کاربردی نیازمند ملاک‌های ارزش‌گذارانه است. مبنای ارزش‌ها در دانش کاربردی سودمند در جامعه‌ای که انقلاب آن اسلامی است و جامعه قرار است الگوی جهانی بشود نیز سنجه‌های دینی است و عبودیت تنها هدفی است که در این راه معلمان تربیت‌کنندگان تمدن‌سازان آینده باید در نظر بگیرند.

اگر در ذهن این بچه‌ها شما هی انباشته کنید شغلتان چه‌طور می‌شود، مقامتان چه می‌شود، مرتبه‌تان چه می‌شود، به باغ می‌رسید، به دنیا می‌رسید، اینها همه توجهشان به همان می‌شود، کانه چیز دیگری غیر از این نیست و چنانچه به آنها این معنا را تزریق کنید که ما با شرافت انسانیت باید در این کشور زندگی کنیم، همان معنایی که حاصل می‌شود از برای آن چپاولگری که مال مردم را می‌برد یا آن منحرفی که حقوق می‌گیرد برای این هم اگر برای خدا کار کند، آن مطالب حاصل می‌شود. لکن بین این دو تا فرق است. او از کانال خیانت رسیده است به یک‌خانه و این از کانال عبودیت خدا رسیده است به آن خانه. این اعتنا به آن خانه نداشته است، لکن احتیاج طبیعی بوده است رسیده به آن. آن، همه توجهش رسیدن به آن است، دیگر کاری به چیز دیگری ندارد (موسوی خمینی، سخنرانی در جمع معلمان تعلیمات دینی، ۵۹/۱۱/۱۰، ج ۱۴: ۳۸).

ب-۲) ارتباط با جامعه؛ دانش سودمند دانشی است که برای رفع نیازهای جامعه و تحقق اهداف بلند کارآمدی داشته باشد. در بیانات و توجهات رهبران انقلاب اسلامی توجه به چنین دانشی مدنظر است؛ دانشی که نه تنها در موقعیت‌شناسی کمک کند، بلکه به دلیل ایجاد رشد و شکوفایی، می‌تواند انگیزه‌بخش باشد و به بازتولید و خلق دانش

جدید بینجامد و در این مسیر از تجربیات بشری نیز استفاده صحیح و خردمندانه بشود. یکی از مواد مهم اصلاحی، همین است که دانشی که در اینجا تعلیم داده می‌شود، دانش سودمند باشد؛ این جوان بتواند از این دانش، برای بهبود زندگی خود و جامعه‌اش و پیرامونیان خود استفاده کند؛ علم نافع این است. علم نافع، آن [علمی] است که ما را به اهدافمان نزدیک کند، حرکت ما را آسان کند، ما را پیش ببرد؛ علم نافع این است. آن چیزهایی که در ما روحیه حرکت ایجاد می‌کند، ما را شکوفا می‌کند، ظرفیت‌های ما را به فعلیت می‌رساند، اینها علم نافع است. البته یکی از علوم نافع، آگاهی از تجربه‌های ملی و افتخارات کشور و عبرت‌ها و درس‌های تاریخ است که این هم جزو علوم نافع است. علم نافع آن چیزی است که ظرفیت‌های ما را شکوفا بکند (خامنه‌ای، دیدار با فرهنگیان، ۹۷/۲/۱۹، بند ۱۰). قطعاً برای تمدن‌سازی به همه علوم و دانش‌ها در ابعاد و سطوح مختلف نیاز هست؛ چه علوم دینی، چه انسانی یا سایر علوم تجربی و مهندسی. اما زیربنای همه این علوم که برای جامعه سودمند خواهند بود نیازمند نگرشی عمیق برای شکل‌گیری هویت نیز هست؛ بنابراین تأکید بر شناخت مسائل سیاسی از جمله مواردی است که در بیانات امام و رهبری به‌صورت خاص به آن اشاره شده است.

آقایان که تربیت بچه‌ها را می‌کنند؛ مسائل سیاسی روز را هم به آنها تعلیم بکنند. نمی‌گویم همه آن [مسائل سیاسی] باشد. همه چیز باید باشد. یک بچه که از یک مدرسه بیرون می‌آید باید هم مسائل دینی‌اش را بداند، مسائل نماز و روزه‌اش را بداند، هم تربیت‌های علمی بشود مطابق هر سیستمی که هست و هم تربیت سیاسی بشود (موسوی خمینی، سخنرانی در جمع معلمان، ۵۷/۱۱/۳۰، ج ۶: ۲۰۳).

ب-۳) نسبت با بیگانگان؛ تلاش برای کسب و خلق دانش سودمند به جز ارتقای سطح جامعه و حرکت به سوی پیشرفت و تمدن‌سازی سوئی دیگری نیز دارد و آن مقاومت در برابر بیگانگان است. از سوی دیگر یکی از انواع دانش کاربردی مقابله با بیگانگان با داشتن دانش کاربردی به جهت استقلال و جلوگیری از سلطه آنهاست؛ بنابراین معلمان لازم است برای مقابله با بیگانگان ضمن توانمندسازی دانش‌آموزان برای آمادگی علمی، در راستای وحدت اجتماعی نیز تلاش نمایند.

دشمن، سه هدف عقب‌ماندگی علمی، عقب‌ماندگی اقتصادی و شکستن یکپارچگی ملی را به جد تعقیب می‌کند؛ دلار خرج می‌کند؛ مزدور می‌گیرد و ورزیده‌ترین

کارشناس‌های سرویس‌های امنیتی را به کار می‌اندازد تا این سه کار در کشور انجام بگیرد. یعنی از لحاظ اقتصادی عقب بمانیم و شکست بخوریم، از لحاظ علمی پیشرفتی را که شروع شد است متوقف کنیم، از لحاظ یکپارچگی ملی هم این وحدتی را که وجود دارد بشکنیم و به جان هم بیفتیم. دشمن دارد این سه هدف را دنبال می‌کند. در دو بخش از این سه هدف، یکی از آماج‌های مهم، معلمین‌اند؛ هم در بخش پیشرفت علمی، هم در بخش وحدت اجتماعی (خامنه‌ای، دیدار معلمان، ۸۶/۲/۱۲، بند ۱۳).

کشاورزها کمکشان به این است که کشاورزی‌شان را زیاد بکنند. ما اگر کشاورزی‌مان طوری نشود که خودمان برای خودمان بتوانیم وسیله معاش تهیه کنیم و دستمان پیش امریکا باشد که نان ما را بده، خوب، این پیوستگی است به آنها و آنها هر روز جلواش را گرفتند، ما ناچاریم که هر چه تحمیل بکنند قبول کنیم و از آنها، تا اینکه نان به ما بدهند. در صورتی که آنها به ما خیانت خواهند کرد. باید ما کاری بکنیم که در معاشمان احتیاج به کسی نداشته باشیم (موسوی خمینی، سخنرانی در جمع نمایندگان دانش‌آموزان و جهاد سازندگی، ۵۸/۸/۱۶، ج ۱۰: ۳۸۳).

از دیگر مسائل در حوزه دانش کاربردی، توجه به اهمیت زبان فارسی، به‌عنوان یک مؤلفه فرهنگی در ایران اسلامی است. از آنجاکه در عصر حاضر فرهنگ نقطه حساس و نفوذ بیگانگان قرار گرفته است، توجه به زبان فارسی وظیفه همه فرهنگیان از جمله معلمان است.

من خیلی نگران زبان فارسی‌ام؛ خیلی نگرانم. سال‌ها پیش ما در این زمینه کار کردیم، اقدام کردیم، جمع کردیم کسانی را دور هم بنشینند. من می‌بینم کار درستی در این زمینه انجام نمی‌گیرد و تهاجم به زبان زیاد است. همین‌طور دارند اصطلاحات خارجی [به کار می‌برند]. ننگش می‌کند کسی که فلان تعبیر فرنگی را به کار نبرد و به جایش یک تعبیر فارسی یا عربی به کار ببرد، ننگشان می‌کند. این خیلی چیز بدی است، این جزو اجزاء فرهنگ عمومی است که باید با این مبارزه کرد (خامنه‌ای، دیدار با شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۹۲/۲/۱۹، بند ۷).

ج) توانمندی ذهنی و باورهای معلم

معلم اگر باور داشته باشد در چرخه رشد و پرورش انسان‌ها مؤثر است و آنچه انجام دهد، فردا به‌واسطه دانش‌آموزان امروز نتیجه و ثمره‌اش به بار خواهد نشست،

اهتمام متفاوتی خواهد داشت. درست است که در چرخه تربیت عوامل متعددی مؤثرند و محیط و وراثت از جمله این عوامل اند، اما در بیانات رهبری این اعتقاد به چشم می‌خورد که نقش معلم چیزی فرای این عوامل است و می‌تواند به حدی برسد که خنثی‌کننده اثرات مخرب سایر عوامل نیز باشد. چنین باوری قطعاً پیامدی متفاوت در منش و دانش و انگیزه‌های معلم خواهد داشت.

پایه‌ریز تمدن نوین، شما هستید؛ چون نیروی انسانی شایسته اگر نباشد، تمدنی به وجود نخواهد آمد (خامنه‌ای، دیدار با معلمان و فرهنگیان، ۹۸/۲/۱۱، بند ۳).

برادرها! جوان‌ها را با اعتماد به نفس، با استقلال نفسانی بار بیاورید. معلم‌ها! جوان‌ها را مستقل، آزاد بار بیاورید؛ معتمد به نفسشان کنید. ما همه چیز داریم لکن آنها ما را (موسوی خمینی، سخنرانی در جمع فرهنگیان رفسنجان، ۵۸/۱/۲۹، ج ۷: ۵۷).

تأثیر شما که معلم هستید، در موارد بسیاری حتی از تأثیر وراثت‌ها بیشتر است. خصال وراثتی و ارثی چیزهایی است که با انسان همراه است، اما با تمرین و با عادت‌های ثانوی می‌توان بر همین خصال فائق آمد. این تمرین عادت ثانوی را معلم می‌تواند به دانش‌آموز خودش، به شاگرد خودش ببخشد و بدهد (خامنه‌ای، دیدار معلمان سراسر کشور با رهبر انقلاب، ۹۰/۲/۱۴، بند ۴).

ج-۱) اتصال به خداوند؛ باورها رابطه متقابل با دانش دارند. به‌کار بستن دانش با پشتوانه باورهاست که به بار می‌نشیند. در مدرسه تمدن‌ساز معلم با باور توحیدی و امید به آینده، با توکل بر خداوندی که شاهد و ناظر همه چیز است، به تربیت نسل می‌پردازد. چرا که ایمان دارد کاری که انجام می‌دهد در نزد خداوند محفوظ است و گم نمی‌شود؛ بنابراین ارزش صرف وقت دارد؛ لذا این پشتوانه درونی به او انرژی مضاعف می‌بخشد.

یعنی شما در اتاق درس و در محیط آموزش که قرار می‌گیرید و با این نوجوان و با این کودک مواجه می‌شوید، بدانید که کاتبان عمل، کرام‌الکاتبین الهی، لحظه به لحظه کار شما را حسنه می‌نویسند. چقدر این مقرون به‌صرفه است که انسان کارش، زندگی‌اش، شغلش چیزی باشد که هر لحظه آن می‌تواند عبادت باشد (خامنه‌ای، دیدار با جمعی از معلمان سراسر کشور، ۹۱/۲/۱۳، بند ۷).

ج-۲) نسبت با جامعه؛ باور به حساسیت موقعیت و اثرگذاری فراتر از افراد انسانی

و تسری آن به جامعه بشری نیازمند درکی بالا و مسئولیت‌پذیری است. چنین معلمی مانند الگوهای خود در جامعه ظرفیت‌های فکری و روحی خود را به‌سوی اولویت‌های جامعه سوق خواهد داد.

اگر بخواهیم یک تشبیه معقول به محسوسی بکنیم، ممکن است نقش یک سوزن‌بان در مسیر یک قطار، کم‌اهمیت به نظر برسد، لیکن مرگ و زندگی کاروانی که در این قطار نشسته‌اند، به کار این سوزن‌بان و دقت او بستگی دارد؛ اگر غفلت کند، فقط در حرفه و شغلش غفلت نکرده است؛ مسأله جان و سرنوشت یک مجموعه مردمی به او وابسته است. نقش معلم هم چنین نقشی است که خود معلمین باید به آن توجه کنند (خامنه‌ای، دیدار معلمان، ۸۶/۲/۱۲، بند ۱۱).

و مهم این بود که (شهید مطهری) همه ظرفیت‌های حوزه فکر را و حوزه علم را به مرحله موردنیاز و نیازهای جامعه نزدیک می‌کرد و می‌کشاند، یعنی اولویت‌های جامعه معیار تلاش او بود. نگاه می‌کرد اولویت‌های فکری جامعه را پیدا می‌کرد و خوب می‌شناخت و انصافاً خوب تشخیص می‌داد و همه این ظرفیت فکری را می‌کشاند به سمت این اولویت‌ها (خامنه‌ای، خطاب به ملت ایران به مناسبت روز معلم، ۱۴۰۰/۲/۱۲، بند ۸).

ج-۳) نسبت با بیگانگان؛ باور معلمان به ظرفیت‌های بزرگی که دارند آنها را برای کاربست توانمندی‌ها و حضور در عرصه مقابله با بیگانگان مهیا می‌کند. این‌گونه است که پای در راه جهادی مستمر خواهند نهاد.

امروز از سوی بیگانگان، از سوی دشمنان، از سوی منحرفین این تهاجم وجود دارد. خب معلمین ما از آن طرف با آن ظرفیت عظیم مواجه‌اند، از این طرف با این تهاجم همه‌جانبه مواجه‌اند؛ بایستی بین این دو، یک جهاد مستمر دائمی واقعی را بر عهده بگیرند و به معنای واقعی، مجاهدت کنند (خامنه‌ای، خطاب به ملت ایران به مناسبت روز معلم، ۱۴۰۰/۲/۱۲، بند ۱۱).

د) مهارت‌های عملی معلم

معلم نمی‌تواند دانش خود را با مهارت عملی همراه کند و به دانش‌آموز در مسیر تمدن‌سازی کمک نماید مگر آنکه خود از خبرگی بهره‌مند باشد. از اینجاست که انتخاب

بهینه معلم که دارای چنین استعدادی باشد و در ضمن با کسب دانش مفید به اعتلای مهارت‌های خود اهتمام بورزد اهمیت می‌یابد.

نمی‌شود ما نگاه کنیم هر کسی بیکار بود، بگوییم: آقا تو بیا اینجا درس بده، آن هم در رشته‌هایی که خیلی اوقات اصلاً از آنها اطلاعی ندارند. ما درس دینی‌مان را در خیلی از مدارس، به کسانی می‌دهیم که هیچ مهارتی در این کار ندارند. این که درست نیست.

د-۱) اتصال به خداوند؛ معلمان برای آنکه بتوانند هنر معلمی را در راستای تمدن‌سازی و احیای نظام اسلامی به کار گیرند، تربیت قرآنی و آوردن قرآن در عرصه زندگی را باید مبنا قرار دهند. چنین هنرنمایی که بتواند قرآن در همه عرصه‌ها مبنا باشد، نیازمند مهارتی عملی است که از دانش کافی برخوردار باشد. هنر آنجاست که ارتباط با قرآن برای دانش‌آموزان دلچسب و کارآمد باشد.

در دورانی طولانی، قرآن در آموزش و پرورش ما، به‌خصوص در آن سنین یادگیری مهجور بوده یا اصلاً وجود نداشته است. آن قدیم (زمان کودکی ما) یک چیزهای مختصری بود و بعد به تدریج همین‌طور کم‌رنگ شد و بالاخره حذف شد. بعد از پیروزی انقلاب، توقع این بود که یک کار کارستانی انجام بگیرد. کارهایی هم شده است، لیکن جای حضور قرآن در دوره‌های گوناگون (چه دبستان، چه دبیرستان و چه راهنمایی) واقعاً خالی است. باید فکر بشود. نه به شکل تحمیلی، نه به شکل بیزارکننده و دورکننده؛ بلکه به شکل صحیح (خامنه‌ای، دیدار با معلمان سراسر کشور، ۸۵/۲/۱۲، بند ۱۲).

د-۲) نسبت با جامعه؛ معلم دانش‌آموزان را برای حضور مؤثر در جامعه مهیا می‌کند. پیشرفت یک جامعه نیازمند شکل‌گیری سرمایه‌های غنی است که در کنار هم بتوانند نیازهای جامعه را در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، معنوی و... برآورده کنند؛ بنابراین معلمان نیازمند مهارت‌هایی ویژه برای تربیت دانش‌آموزانی هستند که آینده‌سازان جامعه‌اند. گویی کلاس درس، خود میدانی است برای انجام وظیفه همگانی در سراسر کشور. به‌علاوه سرمایه‌های مهیا شده را باید حفظ نماید؛ بنابراین این لازم است معلمان در خود مهارت‌های کافی برای کاهش ریزش‌ها پیوراندند.

معلم کسی است که دارد نیروی انسانی را آماده می‌کند برای اداره و گذران زندگی کشور و زندگی جامعه در آینده نه‌چندان دوری. چشم به هم بزنیم، همین جوان‌های شما، همین

محصلین شما، مردانی هستند که کارهای این جامعه بر دوش آنهاست، در هر رتبه‌ای که باشند، در هر سطحی که باشند. در بین همین‌هاست که برجستگان و مردان بزرگ به وجود می‌آیند، در بین همین‌هاست که مجاهدان راه حق، پاک‌بازان و مخلصان سر و پا نشناخته در راه اهداف الهی به وجود می‌آیند، در بین همین‌هاست که دست‌های توانائی به وجود می‌آید که چرخ اقتصاد کشور را بچرخاند، فرهنگ کشور را سروسامان بدهد، همین بچه‌هایی که امروز در کلاس درس شمایند. شما می‌خواهید اینها را از آب در بیاورید. شما می‌خواهید اینها را پرورش بدهید که فردا در آنجائی که قرار گرفتند، بتوانند خوب کار کنند، درستکار کنند، مایه پیشرفت باشند، مایه عقب‌گرد و فساد نباشند (خامنه‌ای، دیدار با معلمان سراسر کشور با رهبر انقلاب، ۹۰/۲/۱۴، بند ۳).

باید کاری کنند که ریزش‌ها نزدیک به صفر بشود و رویش‌ها در حداکثر قرار بگیرد (خامنه‌ای، خطاب به ملت ایران به مناسبت روز معلم، ۱۴۰۰/۲/۱۲، بند ۱۱).

د-۳) نسبت با بیگانگان؛ تربیت دانش‌آموزان جهاد نرم‌افزاری است. چنین جهادی نیازمند داشتن مهارت‌هایی است که بتواند جلوی هجمه بیگانگان را بگیرد و بر آنها غلبه کند. لازمه چنین ایفای نقشی، انسجام درونی و رفع مشکلات است.

یک جهاد نرم‌افزاری به‌تمام‌معنا را ایشان (شهید مطهری) در طول سالیان متمادی شروع کرده بود؛ با امواج مهاجم روبه‌رو می‌شد و سینه‌به‌سینه می‌شد و با آنها برخورد می‌کرد و بر آنها غلبه پیدا می‌کرد (خامنه‌ای، خطاب به ملت ایران به مناسبت روز معلم، ۱۴۰۰/۲/۱۲، بند ۷)

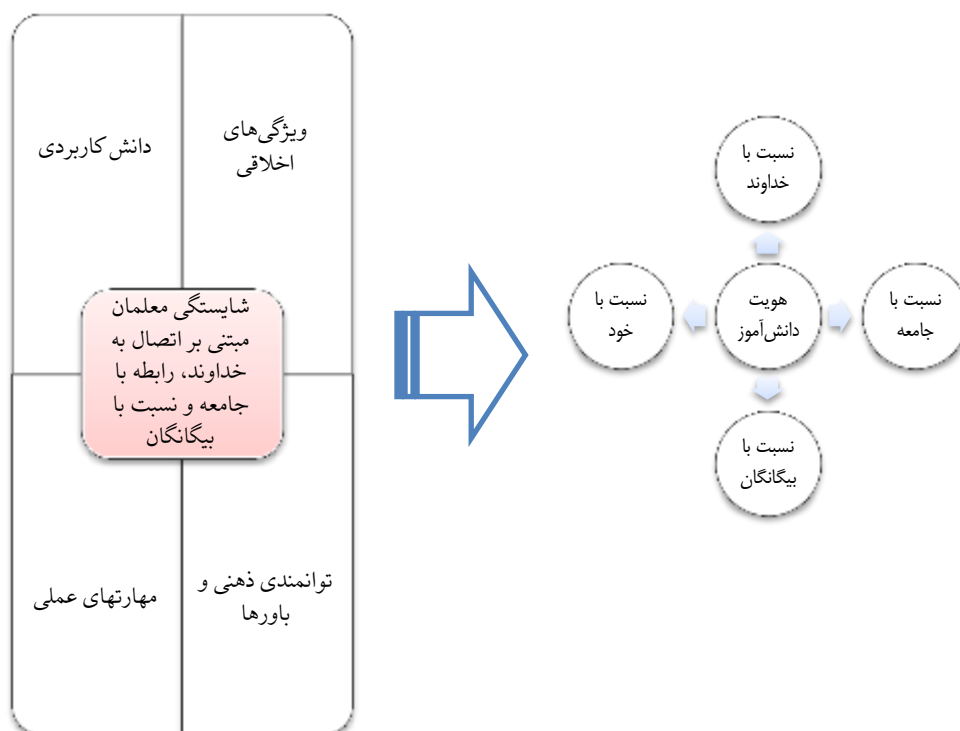
می‌تواند حتی بر عوامل خارجی تربیت، مثل این رسانه‌ها و امثال اینها، غلبه کند؛ حتی با تعلیم مستمری که در طول سال‌های متمادی با این ماده خام، با این نوجوان، با این دل آماده پذیرش ایفا می‌کند، می‌تواند بر نقش تربیتی والدین غلبه کند؛ این نقش معلم است (خامنه‌ای، دیدار با معلمان سراسر کشور، ۸۹/۲/۱۵، بند ۴).

مهم این است که در دانشگاه‌ها خود آقایان، خود دانشجوها، خود معلمین، خود دکترها، اینهایی که هستند، در آنجا خودشان با هم دیگر اختلاف نداشته باشند. در هر جایی اگر چنانچه خود جمعیتی که همه اسلامی‌اند و اکثریت هم این‌طور هستند و منحرفین در اقلیت واقع شده‌اند، بین خودشان اگر چنانچه اختلافی نباشد، آنها را زود

از بین می‌برند... اختلاف بین خودشان اسباب این می‌شود که آنها نفوذ کنند و نگذارند کاری انجام بگیرد. شما سعی کنید در اینکه بین خود، در هر مدرسه‌ای یا در هر دانشگاهی، بین خود جمعیت‌های متعهد و مسلم، دیگر اختلاف نباشد؛ گروه‌گروه نشوند که هر کدام یک چیزی بشوند (موسوی خمینی، جمع اساتید و رؤسای آموزش و پرورش فارس، ۵۸/۶/۲۴، ج ۹: ۵۴۳).

۳. نتیجه‌گیری

دین اسلام به‌عنوان یک دین نظام‌ساز، جامعه‌ساز، انسان‌ساز و تمدن‌ساز به دنبال ایجاد اتحاد عظیم اسلامی، تشکیل امت اسلامی و تعامل بین‌المللی برای تمدن‌سازی است، زیرا تمدن‌سازی عالی‌ترین مرتبه وحدت به شمار می‌آید. بر اساس نتایج مطالعات صورت‌گرفته پیرامون موضوع تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری و اندیشه‌های دو رهبر انقلاب اسلامی ایران، آنچه برآیند می‌شود این است که دستیابی به تمدن نوین اسلامی به‌عنوان آرمانی بزرگ و کلان، نیازمند الزامات وسیع و همه‌جانبه‌نگری است. در این امتداد، سرمایه انسانی رکن اصلی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی است. مدرسه به‌عنوان رسمی‌ترین نهاد تعلیم و تربیت، سهم زیادی در دستیابی به این مهم دارد؛ در این امتداد هویت‌سازی برای دانش‌آموزان از گام‌های اصلی تمدن‌سازی و داشتن هویت مستقل شرط تحقق تمدن است. داشتن استقلال هویتی به معنای اینکه فرد بداند کیست و چه هدفی دارد و افق او کجاست، خودباوری و خودشناسی و پرهیز از تقلید از الزامات هویت‌سازی است. در مسیر هویت‌سازی، معلم اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند، لذا شایستگی‌هایی برای او انتظار می‌رود که در مدرسه تمدن‌ساز در اتصال با خداوند، نسبت با جامعه و ارتباط با بیگانگان معنا می‌یابد. شایستگی‌های معلم در ارتباط چهارگانه هویتی، مشتمل بر ویژگی اخلاقی، دانش کاربردی و توانمندی ذهنی و باورهای معلم و مهارت‌های عملی وی است؛ لذا با نگاه نتیجه‌محور و درعین‌حال فرایندمدار، در تحقق مدرسه تمدن‌ساز، بایسته است به شایستگی‌های معلم که نقش اساسی در این فرایند دارد و در ساخت دانش‌آموز شایسته دارای هویت به‌عنوان خروجی این سیستم، توجه ویژه داشت.



شکل ۱- نسبت شایستگی‌های معلم و تحقق هویت دانش‌آموزان

نتایج این پژوهش از حیث توجه به سرمایه انسانی تمدن‌ساز با پژوهش طباطبایی و فریدونی (۱۳۹۴) هماهنگی دارد. همچنین از حیث توجه به ویژگی‌هایی مانند پرهیز از سطحی‌نگری و تقلید، توجه به اخلاق، خلاقیت و ابتکار و توجه به خردورزی با پژوهش دیبایی، کارآمد و طهماسب زاده (۱۳۹۸) نقاط اشتراک دارد.

پیشنادهای پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- توانمندسازی معلمان در حوزه دانشی، مهارتی، شناختی و اخلاقی
- ۲- توجه به توسعه حرفه‌ای معلمان، آموزش‌های ضمن خدمت مناسب برای ارتقای شایستگی‌ها
- ۳- ایجاد بسترهایی برای مواجهه با نیازهای جامعه و باور به توانایی برای رفع نیازها
- ۴- ایجاد بسترهای شناخت خود، دشمن‌شناسی و فرهنگ ایرانی اسلامی

منابع

- اعرافی، علیرضا؛ بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی نقی؛ و ابوجعفری، مهدی (۱۳۸۶)، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، تهران، انتشارات سمت.
- بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۴)، *عیار و اساس تمدن اسلامی*، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الهیات، سال بیستم شماره چهارم، ۳۱-۵۴.
- دورانت، ویل (۱۳۸۰)، *مشرق زمین: گاهواره تمدن*، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات آرام.
- دیبايي صابر، محسن و طهماسب زاده، داوود (۱۳۹۸)، *تبیین مؤلفه‌های تمدن اسلامی مورد نظر مقام معظم رهبری و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش*، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۸، شماره ۴۷، ۸۷-۱۰۵.
- زارعی، محمد امین؛ و الله کرمی؛ آزاد (۱۴۰۱)، *شناسایی مؤلفه‌های شایستگی معلمان و ارائه چارچوبی جهت ارزشیابی آنان*. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۶(۵۶)، ۹۱-۱۰۴.
- جاویدان، لیدا؛ علی اسماعیلی عبدالله؛ شجاعی، علی اصغر (۱۳۹۸)، *تدوین الگوی ویژگی‌ها و شایستگی‌های معلمان بر اساس اسناد بالادستی آموزش و پرورش*. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۱۲۳-۱۱۳۱.
- جمالی، مصطفی (۱۳۹۴)، *استمرار انقلاب با کدام گفتمان*، قم، انتشارات تمدن نوین اسلامی.
- حبیبی آذر، افسانه؛ کیهان، جواد؛ طالبی، بهنام (۱۴۰۰)، *مطالعه‌ای پدیدارشناسانه فرایند کسب شایستگی فناورانه معلمان ایران با هدف ارائه یک مدل بومی*. فناوری آموزش، ۱۴(۴)، ۸۴۷-۸۶۶.
- حسین‌زاده، سید علی (۱۳۹۹)، *غایت تربیت از دیدگاه اسلام*، تربیت اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۳۱، ۶۸-۸۷.
- حسینی، سید حسین (۱۳۹۵)، *تمدن پژوهی*، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- حسینی، سید محمد، شاه‌حسینی، محمد علی؛ فانی، علی اصغر؛ احمد زهی، عبدالعلی (۱۴۰۰)، *تدوین و طراحی مدل ارزشیابی عملکرد مبتنی بر شایستگی معلمان*

- دبیرستانی در ایران: کاربرد رویکرد ترکیبی، مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی. ۱۳(۲)، ۱۹۵-۲۳۶.
- صابر؛ سبحانی‌نژاد، مهدی (۱۴۰۰)، شناسایی مولفه‌های نظام توسعه شایستگی معلمان دوره متوسطه از دیدگاه خبرگان. پژوهش‌های آموزش و یادگیری، (۱)، ۱۷-۶۱.
- دیبایی صابر، محسن؛ عباسی، عفت؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ صفایی موحد، سعید (۱۳۹۷)، تبیین مولفه‌های شایستگی حرفه‌ای معلمان و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران. پژوهش‌نامه استان قم، (۱۵)، ۱۲-۸۳-۱۰۶.
- رضایی منیره (۱۳۹۹)، شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان: گذشته، حال، آینده، نشریه تعلیم و تربیت، (۲)، ۳۵-۱۲۹-۱۵۰.
- رضوانیان، مهرناز سادات؛ جعفری ثانی، حسین؛ کرمی، مرتضی (۱۳۹۹)، شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شایستگی تدریس معلمان مبتنی بر دیدگاه‌های آینده‌نگرانه جهانی، اولین همایش ملی برنامه درسی و اشتغال. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، آذر ۱۳۹۰.
- طباطبایی، سید مهدی و فریدونی، سینا (۱۳۹۶)، استخراج نظام مسائل آموزش و پرورش کشور مبتنی بر بیانات حضرت امام خامنه‌ای، پژوهش در تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و پنجم، شماره ۳۴، ۹۵-۱۳۱.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۹)، تمدن‌زایی شیعه، اصفهان، لب‌المیزان.
- فقیهی، علی‌نقی (۱۳۹۴)، روابط مطلوب آدمی در آموزه‌های تربیتی معصومان علیهم‌السلام، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱۱، شماره ۳، ۱۱۱-۱۳۳.
- غلامی، رضا (۱۳۹۶)، فلسفه تمدن نوین اسلامی، تهران، انتشارات سوره مهر.
- فرمینی فرهانی، محسن (۱۳۹۵)، الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی، مطالعات ملی، دوره ۱۷، شماره ۶۷، ۱۰۱-۸۳.
- کیلانی، ماجد عرسان (۱۳۸۹)، فلسفه تربیت اسلامی، ترجمه بهروز رفیعی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

گودرزی، غلامرضا (۱۳۹۴)، *مدل سازی ویژگی های نیروی انسانی در راستای تحقق تمدن زمینه ساز: برداشتی از روش متدولوژی سیستم های نرم*، فصلنامه مشرق موعود، سال نهم، شماره ۳۴، ۳۹-۶۸.

محمدآبادی، حمزه و یاری دهنوی، مراد (۱۳۹۹)، *تبیین و نقد جریان مدارس تمدن ساز امام خمینی در ایران*، فصلنامه تربیت اسلامی، سال ۱۶، شماره ۳۳، ۷-۲۹.

مجیدی، اردوان (۱۳۹۹)، *گذار در بحران: تعلیم و تربیت در گذر به سمت نظام برتر*، تهران، مؤسسه خبرگزاری فارس.

همایون، محمدهادی (۱۳۹۸)، *چهل ستون تمدن: مبانی حکمی و مهدوی تمدن نوین اسلامی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.

Kasemsap, K. (2016). Analyzing the roles of human capital and competency in global business. In *Project management: Concepts, methodologies, tools, and applications* (pp. 2190-2218). IGI Global.

Newman, Jay (1977) Education as Civilization, *The Journal of Educational Thought*, Vol. 11, No. 3, pp. 203-212

Sampson, D., & Fytros, D. (2008). Competence models in technology-enhanced competence-based learning. In *Handbook on information technologies for education and training* (pp. 155-177). Springer, Berlin, Heidelberg

Song, S. R., & Gale, A. (2008). Investigating project managers' work values by repertory grids interviews. *Journal of Management Development*.

Targowski, Andrew (2004) Grand Model of Civilization, *Comparative civilizations review*, vol.51.No51, pp. 87-112

Targowski, Andrew (2009) future of civilization, *Information Technology and Societal Development*, vol.36,no.44,pp.23-56

Merriam-webster (2021, desember 13). Civilization, Retrived from: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/civilization?src=search-dict-hed>

www.khamenei.ir

www.khomeini.ir